

۲۰۰۹/۰۱/۲۵ م

شاه محمود مستمند

قاتل اسیران دشت لیلی

مجنون جاه و جلال در ویرانه افغانی

قتل عام انانیکه سلاح را به زمین گذاشته بودند چه طالب، چه القاعده، چه پشتون، تاجک، ازبک، مسلمان و یا کافر، نه تنها جرم است بلکه جنایت نیز است زیرا که مطابق نورمهای بین المللی کشتن اسیران جنایت است، در اخلاق و کلتور افغانی کشتن تسلیم شده گان نه تنها ننگ، عار و بی ایمانی بلکه بزدلی نیز محسوب میشود.

ازین قتل عام دشت لیلی نه تنها افراد معمولی بلکه حتی اطفال نیز آگاهی داشته و باید مسوولین امور در کشور، بخصوص مسوولین امور در جوزجان قبلاً دوسیه های مربوطه را تکمیل میکرد تا ضرورت به نابودی اثر این جنایت نمی شد، و اگر آثار و علائم آن گم هم شده باشد ولی اعترافات که با افتخارات همراه بوده و کست های آن در همه جا مردم مشاهده کرده، باید موجود باشد.

والی صاحب قبلی جوزجان که در حرف آدم وطن دوست معلوم میشود باید درین زمینه کارهای لازم را انجام داده باشد در غیر آن اول باید موضوع از موصوف استفسار شود که سالها در آن ولایت مسوولیت داشته ولی درین زمینه اجرات لازم چرا صورت نگرفته و اگر صورت گرفته باشد نتیجه آن چه است؟ و جنایتکاران کیهانند؟

اگر این سوالات مطرح شود که این جنایتکاران کیهان بوده؟ تا بحال رژیم اسلامی و تیکه داران دموکراسی تا بحال مجرمین را تشخیص و دستگیر نکرده اند چرا؟

ایا مقامات رژیم اسلامی آگاهی ندارند؟ و یا اینکه شریک جرم هستند؟

ایاموسسه ملل متحد از آن آگاهی ندارد و یا اینکه از امپریالیزم خونخوار میترسد زیرا که گفته میشود که این جنایت شاید بر اساس دستور آنان شده باشد و موسسه ملل متحد که سخنگوی ناتو است صدای شانرا کشیده نمی تواند؟

ایا "فرشته های" نجات که پیشاپیش نیروهای نجاتگر امپریالستی مارش کنان از شمال به جنوب یورش آوردند، مثلیکه پشتونستان را ازاد کرده باشند، و "فرشته های" نجات دیروز را نابود کردند ازین افتخار عظیم آن زمان آگاهی ندارند؟

ایا رهبران ایتلاف شمال و رهبران اتلانتیک شمالی که در وقت نابودی عام و تام قوای تسلیمی طالبان والقاعده، بر عملیات برق اسأ و نابودی سریع دشمن در سرار افغانستان میبایندند آگاهی ندارند؟ اگر جواب "نه" باشد، پس بلی را باید از کی شنید؟

در چینل تلویزیونی "arte" فرانسه که در جرمنی نیز نشرات دارد فلم مستند درمورد قتل عام افراد تسلیمی طالبان بارها به نمایش گذاشته شده که در آن بطور مشخص از بسیاری رهبران و قومندانان جهادی همان وقت که بر نابودی عاجل قوای القاعده و طالبان افتخار میکردند ذکر شده است.

به گفته لوی څارنوال، جنایتکاران کشور از کنترل خارج گردیده و تنها در چند سال گذشته بیش از ۳ میلیون جریب زمین دولتی و غیر دولتی غصب شده و این سلسله غصب کردن ها در وجود مافیا در کلیه عرصه های اقتصاد کشور حاکم است.

پس تنظیم و د خدای نظردی
له پاسه دالر پری اوروی لاندی ځمکی غصبوی

در مورد منشور "منفور" که بنام مصالحه ملی جنایتکاران را تبرئیه کردند یک منبع معتبر چنین مینویسد که:

طرح و تصویب این منشور از سوی پارلمانی صورت میگردد که اکثراً با عقاید دینی وارد پارلمان شده اند و افتخار دارند که مسلمانند و مسایل را با اصول اسلامی تطبیق نموده و حل و تصویب میکنند، اما در مورد تصویب این طرح، مسئله فراتر رفته است، در متون دینی بحث حق الله و حق الناس مکرراً آمده است و گفته شده است که خداوند با تمام عظمت و جلال و اختیارات مطلقه اش در بخشیدن حق مردم خودرای میکند و این حق را به خود نمیدهد، اما

نماینده گان محترم پارلمان پا را فراتر گذاشته است و این حق را بر خود داده اند و بذل و بخشش پیشه کرده اند و حق مردم را بر دیگران میبخشند آنچه که خداوند کریم به خود این حق را نداده است

قتل عام در دشت لیلی مسله ساده نبوده زیرا که گفته میشود که درین دشت بیش از پنج هزار انسان زنده بگور شده زیرا که در مرحله اول اشتهای بین جنین اسلامی و جنبش طالبی که بعداً در وقت تقسیم مقامات اشتهای از بین رفت و سبب قتل عام در حدود سه هزار نفر و در مرحله دوم و تکاملی انقلاب اسلامی نیز در حدود دو هزار درین گورستان دفن شده.

و انانیکه در انتقال این تسلیمی ها منحیث موتروان ویا بیلدوزر کار، مصروف فعالیت بودند قصه ها کردند و ثبت نوار شده و زمین و آسمان ازان آگاهی دارند تنها کسانی که بر چوکی قدرت لم داده و ازملت نبوده، نیستند وخواند بود و بیگانه بوده، و به دستور بیگانگان مرتکب جنایات شده و میشوند، ازان آگاهی ندارند و بس!

میگویند که کنفسیوس همراه با یاران شان از یک جنگل عبور مینمود که صدای دلخراش گریه را شنید موصوف به یاران شان هدایت داد تا علت موضوع را جويا شوند و قتی که یاران شان در جنگل داخل شدند دیدند که یک زن با اطفال شان در یک گوشه جنگل زندگی میکند و زمانیکه علت گریه دلخراش را پرسان کرد، زن در جواب شان گفت که در شهر زنده گی میکرد، ولی چون حاکم شهر ظالم بود از ترس ظالم گریختیم و به جنگل پناه آوردیم و اینجا نیز حیوانات وحشی ما را امان نمی دهند وپارسال شوهرم گرگها خورد و حالا پسر ام را خورد.

یاران کنفسیوس برایش گفت که پس لازم است تا دوباره به شهر برگردید تا زنده گی مصئون داشته باشید! زن در جواب گفت که چون در شهر همان ظالم هنوز هم بر سر قدرت است لذا نمی توانیم تا به شهر بر گردیم همین جنگل بهتر است از شهر ما!

کنفسیوس بزرگ بعد از شنیدن قصه دلخراش بیوه زن به یاران خود گفت که زن مطلب بسیار بزرگ فلسفی را بیان کرده است، یاران شان پرسان کرد که درین کدام مطلب فلسفی نهفته است؟
کنفسیوس گفت که مردم گرگ وحشی را نسبت به حاکم ظالم ترجیح میدهد.

حالا که جنگلها ذریعه پاکستانی ها و یاران شان بطور مطلق از بین رفته و کشورهای همسایه نیز از افغانها نفرت دارند و درکشور نیز همان حاکمان معلوم الحال که مردم مزه حاکمیت آنان را قبلاً نیز چشیده است به کجا پناه خواهند برد تا یک لقمه نان با زنده گی عاری از ذلت و توهین داشته باشند؟
نه جنگل وجود دارد و نه حاکمیت ملی انسانهای ملی و وطنپرست.

به ارتباط قتل عام اسیران تسلیمی که این تسلیمی ها طالب است یا القاعده، بیگانه ظالم است یا طالب ظالم، القاعده ظالم است یا بی قاعده ظالم اما چیزیکه روشن است نقض حقوق انسان است و بی عدالتی بی حد و حصر سازمان ملل متحد یکجا با جامعه متمدن جهانی که باید مجرمین این قتل عام را باید دستگیر و به دادگاه بین المللی غرض عدالت اجتماعی بسپارند ولی تا بحال آنها از هر نوع کمک در زمینه ابا ورزیده.
درین کشور که از بالا تا پائین در انارشی و بی بند وباری، بدون قانون و قانونیت زندگی ادامه دارد اخیر ان چه خواهد شد؟

از محتوی و از مصاحبه ها فلم هویدا بود که قاتلان این اسیران جنگی همان قومندانان، رهبران و اشخاص بودند که قبلاً نیز در نابودی پلان صلح ملل متحد نقش اساسی داشتند.
ایا مردم ستم دیده افغانستان شاهدان عینی ان نیستند که بعد از اخراج قوای اشغالگر شوروی، جنگ اعلام نشده که بر کشور جنگ زده ما تحمیل شد و در ان بیش از ۱۲۰ کشور پیشرفته جهان بشمول روسها، احزاب و اشخاص وابسته روسی، تنظیم های ساخت ایران و پنجاب بشمول کودتاهای خلقی و پرچمی، توانست تا از مادر وطن با شجاعت و مردانگی دفاع نماید، مدافعین این سرزمین راد مرد ها سر میداد اما سنگر نمی داد؟
ایا شرم اور و ننگین نیست که بعوض وطن پرستان جنایتکاران باداران این سرزمین باشند؟

اشرف غنی احمد زی سابق وزیر مالیه کشور چندی قبل گفته بود که:

جنایتکاران نه تنها عفو میشوند بلکه منحیث باداران در پوست های اساسی جابجا میشوند.

در مقامات عمده دولت دزد ماهر تر انتصاب کنیم
زهر در آب دیگران ریزیم جام خود را پر از شراب کنیم
ثروتی دست و پا اگر شد، خوب گر نشد دیگر انقلاب کنیم

ایا مردم افغانستان و جهان شاهدان عینی ان نیستند که بعد از انکه جنگجویان که مجنون جاه و جلال، نام و نشان پلان صلح رژیم را قبول نکرد و به جنگ شان به نام مقدس جهاد ادامه دادند و بعد از سه سال میدان رزم را باختند و مجبور شدند که پلان صلح ملل متحد را بپذیرند و همگی در پای اسناد امضاً و مهر گذاشتند، اما به مجردیکه از طرف مسکو - تهران دستور نابودی ان پلان بزرگ انسانی داده شد و انها بطور آگاهانه غرض نابودی ان پلان صلح عمل کردند؟

ایا درین کشور تنها و تنها جنایتکاران حق دارند تا در پوستهای رهبری کشور جابجا باشند بدون اینکه از ان دفاع بکنند؟

ویا اینکه همان وطن پرستان بیباک که سر میدادند ولی سنگر نمی داد؟

ویا اینکه مردم فکر میکنند که وطن پرستان با نابودی حاکمیت ملی نابوشدند و میدان برای شغالان جنایتکار خالی شده و به هر رقم که میدوانند کل اختیار اند؟

گفته میشود که این اشخاص همان جنایتکاران حرفوی هستند که در سال ۱۹۹۲ در نتیجه ابتکار بزرگ مبتکر "عصر" و بر اساس قومانده شیر کوه های لاجورد و زمرد با مارش "تعصب افرین" شانرا که از حیرتان "مبارک" آغاز و در مزارشرف با تجلیل سال نو ۱۳۷۱ به نام سال پیروزیهای بی مثل منسجم شدند ویا رسیدن به جبل السراج به نام ائتلاف شمال "نامیمون" مسمی و تا رسیدن به کابل خونین این فاجعه ننگین شانرا به نام "مقدس" انقلاب اسلامی نامیده شد که یکجا با ستون پنجم بی ایمان که در حاکمیت ملی لانه کرده بود پلان انسانی مصالحه ملی را یکجا با حاکمیت ملی و اردوی دشمن شکن را نابود کردند و جنگ جاه و جلال را تا سر حد حمام خون جاری ساخت که در نتیجه ان طالب و القاعده یکجا با پنجابیهای وحشی بر کشور حاکم شدند و سر انجام کشور ویرانه به مرکز ازمایش سلاحهای مدرن ناتو مبدل شد.

در ینمورد شاعر انقلابی به ائتلاف شمال و "فرشته های" نجات جنوب و یاران شان میگویدکه:

وطن ویران نبود ویران اش تو کردی
 و طیب بود درمان به درد مردم
 میهن ازاده گان بود از بنده گانش تو کردی
 طیب اش کشتی بی در مانش تو کردی

این جنایتکاران غرض رسیدن به ارمانهای ازمنده شان بطور آگاهانه علیه پلان صلح ملل متحد عمل کردند و عمل آگانه بخاطر اهداف شخصی و قتل عام اهالی بیگناه نه تنها جرم است بلکه جنایت است.

معاف کردن جنایتکاران و دشمنان مصلحه ملی، بنام مصالحه ملی و با گرفتن قباله "روبا" از مقام خانه ملت نه تنها جنایت است، بلکه توهین بوده به ملت که از دست همین جنایتکاران تباه شد و جفا است به خون پاک این ملت غیور که ملیونها انسان شجاع و بیباک ان بنام دفاع از ناموس وطن جان باختند .

آن که در کله میخ می کوید
 زین معما شما چی می دانید ؟
 جای زندان به پارلمان آمد
 کور را ذره بین لقب دادند
 گنگ در نقش نکته دان آمد
 کر خیر چین و پاسبان آمد
 آن که باید نیاید ، آن آمد
 حرف کوتاه ، به پارلمان بازی

درین زمینه سازمان ملل متحد یکجا با ائتلاف بین المللی نه تنها غفلت کرده بلکه آگاهانه عمل نموده تا اثر این جنایات گم شود تا ائتلاف بین المللی و یاران دیروز شان از ائتلاف شمال، از تعقیب و محاکمه نجات یابد، درین مورد بنیاد فیاض گزارش مفصل را به نشر رسانیده که در یک بخش ان چنین مینگارد که:

"When the crime happened, (Dostum and his commanders) didn't think they would ever be prosecuted," the

official said. "But later they began to worry . . . they have taken all the bones and thrown them into the river"

about half a mile from the graves.

(EDITORS: END OPTIONAL TRIM)

NATO - which has command authority over a team of troops less than three miles from the grave site, the

United Nations and the United States have been silent about the destruction of evidence of Dostum's alleged

war crimes.

"The truth is that General Dostum went out with bulldozers and dug up those graves," Jowzjani charged. "I don't know why UNAMA" - the U.N. Assistance Mission in Afghanistan - "hasn't said anything in this regard . . . maybe because of fears about his power, or maybe they made a deal."

ترجمه:

"زمانیکه جنایت صورت گرفت (دوستم و قوماندانان شان) هر گز فکر نمی کرد که آنها مورد پیگرد قانونی قرار گیرند"
منابع رسمی اطلاع میدهد "لیکن بعداً آنها پریشان بودند... و آنها همه استخوانها را در دریای که در فاصله یک نیم کیلومتر موقعیت دارد انداختند."
ناتو که قومانده یک قطعه را در پنج کیلومتری قبرستانها به عهده داشت، ملل متحد و ایالات متحده امریکا درباره نابودی آثار جنایت احتمالی دوستم خاموش بودند.
" حقیقت اینست که جنرال دوستم با بیلدوزها قبرستان را از آثار پاک کرد، ما نمی دانیم که چرا نماینده گی ملل متحد درین مورد هیچ چیز نگفت... شاید یا از ترس وی و یا هم شاید در زمینه معامله صورت گرفته باشد".
مردم جنگ زده افغان از سازمان ملل متحد و جامعه جهانی تقاضا دارند که ائتلاف ها، تنظیم ها، احزاب، اشخاص و افراد که در نابودی پلان صلح ملل متحد سال ۱۹۹۲ که در نابودی حاکمیت ملی واردوی دشمن شکن نقش داشتند به هموطنان معرفی تا طی محاکمه خاص بین المللی به سزای اعمال شان رسانده شوند تا جلو جنایت و جنایتکاران حرفوی در آینده گرفته شود.

مردم افغانستان از جنگ نجات میخواهند، مردم از بیعدالتی و از فساد که مشخصه عمده رژیم جهادی بوده نجات میخواهند، مردم یک لقمه نان در فضای صلح و امنیت با زنده گی ابرومندانه بدون جنگ، بدون توهین ملیشه های غارتگر و غربی های نجاتگر میخواهند.

پایان